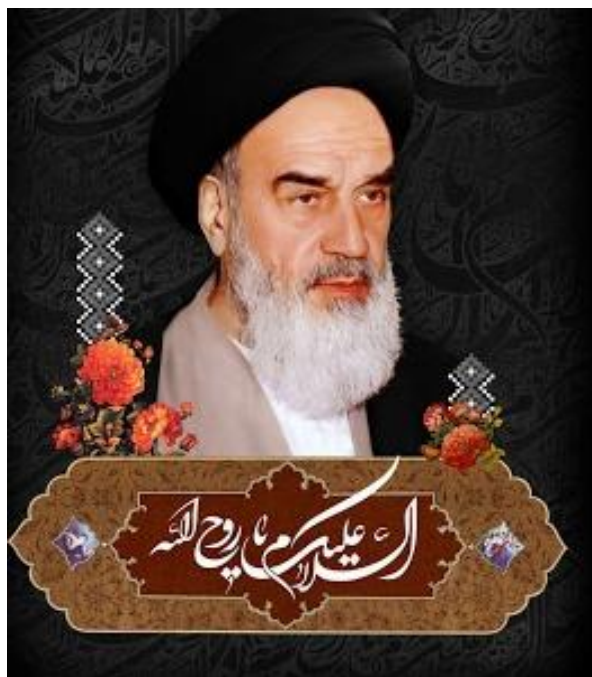


ره پویان حقیقت



امام خمینی (ره) در ماه محرم ۱۳۴۲ که مصادف با خرداد بود نهایت استفاده را از فضای معنوی و حسینی مردم ایران کرد و مردم را علیه رژیم مستبد شاه، به قیام تشویق کرد. امام خمینی (ره) در عصر عاشورای ۱۳ خرداد سال ۱۳۴۲ شمسی در مدرسه فیضیه نطق تاریخی خویش را که آغازی بر قیام ۱۵ خرداد بود ایراد کرد.

در همین سخنرانی حضرت امام با صدای بلند به شاه پیغام داد که آقا من به شما نصیحت می‌کنم، ای آقای شاه! ای جناب شاه! من به تو نصیحت می‌کنم دست بردار از این کارها، آقا اغفال می‌کنند تو را. من میل ندارم که یک روز اگر بخواهند تو بروی، همه شکر کنند ... اگر دیکته می‌دهند دست و می‌گویند بخوان، در اطرافش فکر کن... نصیحت مرا بشنو... ربط ما بین شاه و اسرائیل چیست که سازمان امنیت می‌گوید از اسرائیل حرف ننیزد... مگر شاه اسرائیلی است؟

شاه بعد از شنیدن سخنان تاریخی امام خمینی (ره) نخست جمع زیادی از یاران امام خمینی در شامگاه ۱۴ خرداد دستگیر و ساعت سه نیمه شب (سحرگاه پانزده خرداد ۴۲) صدها کماندوی اعزامی از مرکز، منزل حضرت امام را محاصره کردند و ایشان را در حالیکه مشغول نماز شب بود دستگیر و سراسیمه به تهران برده و در بازداشتگاه باشگاه افسران زندانی کردند و غروب آنروز به زندان قصر منتقل نمودند. صبحگاه پانزده خرداد خبر دستگیری رهبر انقلاب به تهران، مشهد، شیراز و دیگر شهرها رسید. بعدها تیمسار حسین فردوست در خاطراتش از این موضوع

پرده برداشت و بیان کرد در قیام ۱۵ خرداد رژیم شاه از همکاری زبده‌ترین مأمورین سیاسی و امنیتی آمریکا برای سرکوب قیام استفاده کرد و به حدی شاه و ژنرال‌هایش ترسیده بودند که دیوانه‌وار فرمان سرکوب صادر می‌کردند.

با دستگیری رهبر نهضت و کشتار وحشیانه مردم در روز ۱۵ خرداد ۴۲، قیام ظاهراً سرکوب شد. امام خمینی (ره) در حبس از پاسخ گفتن به سؤالات بازجویان، با شهامت و اعلام اینکه هیئت حاکمه در ایران و قوه قضائیه آنرا غیر قانونی و فاقد صلاحیت می‌داند، اجتناب ورزید. در شامگاه ۱۸ فروردین سال ۱۳۴۳ بدون اطلاع قبلی، امام خمینی آزاد و به قم منتقل شد. به محض اطلاع مردم، شادمانی سراسر شهر را فرا می‌گیرد و جشن‌های باشکوهی در مدرسه فیضیه و شهر به مدت چند روز بر پا می‌شود. اولین سالگرد قیام ۱۵ خرداد در سال ۱۳۴۳ با صدور بیانیه مشترک امام خمینی و دیگر مراجع تقلید و بیانیه‌های جداگانه حوزه‌های علمیه گرامی داشته شد و به عنوان روز عزای عمومی معرفی شد.

خاطره ای از مقام معظم رهبری:

ولی امر مسلمین جهان حضرت آیت الله خامنه‌ای در خرداد سال ۱۳۶۱ در بین نمازگزاران جمعه در این باره بیان کردند: ۱۵ خرداد یک قیام مردمی بود. علت این قیام هم این بود که در روز عاشورای آن سال که مصادف با سیزدهم خرداد می‌شد، امام امت حقایق افشا نشده‌ای تا آن روز را با مردم بی‌واسطه در میان گذاشتند، که درباره‌ی این ارتباط بی‌واسطه‌ی امام و امت حرفی دارم که عرض می‌کنم. در این گفتار، که توصیه می‌کنم اگر نوار قابل فهمی و سالمی از آن هست، رسانه‌های همگانی آن را پخش کنند تا مردم بفهمند

نقش امام خمینی در قیام پانزده خرداد

مدرسه علمیه فاطمیه کارون

معاونت پژوهش

خرداد ۹۹

۹- تبیین نظریه ولایت فقیه به عنوان نظام حکومتی
جایگزین رژیم شاه توسط امام خمینی (ره)

۱۰- فرو پاشی تز جدایی دین از سیاست و افشای
خطر صهیونیسم، پیوند میان مردم و روحانیت

در نهایت اینکه، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ هر چند به
ظاهر یک یا چند روز طول کشید، ولی به دلیل انگیزه‌های
الهی که داشت، به عنوان مبداء انقلاب اسلامی و منشاء
تحولات وسیع داخلی و بین‌المللی شد به گونه‌ای که امام
(ره) در این باره فرمودند: «۱۵ خرداد از خاطره‌ها محو
نخواهد شد و باید در سالروز آن، هر چه بیشتر آن را زنده
نگه داشت، پانزده خرداد که مصادف با دوازدهم محرم بود؛
سند زنده مخالفت شجاعانه ملت ایران در مقابل استبداد
عمال اجانب و استعمار چپ و راست بود».

***مهمترین پیامدهای قیام ۱۵ خرداد

به طور خلاصه بعضی از مهمترین پیامدهای این قیام
عبارت بودند از:

۱- آشکار شدن قدرت مذهب به وسیله بسیج
گسترده مردمی و مقاومت در مقابل برنامه‌های نامشروع شاه.

۲- احساس ضرورت تشکل برای ادامه مبارزه.

۳- رویارویی با اصل نظام شاهنشاهی در حالیکه
جنبش‌ها و قیام‌های پیشین دارای این ویژگی نبودند.

۴- افشای چهره ریاکارانه و منافقانه شاه و روشن
شدن ماهیت رژیم وی برای مردم.

۵- عدم وابستگی به قدرتهای خارجی (بیگانه
ستیزی) و بی اعتبار شدن شرق و غرب و پایه‌گذاری اصل نه
شرقی و نه غربی به دلیل موضع‌گیری‌های منفی آمریکا و
شوروی در مقابل این قیام مردم.

۶- افزایش رشد و آگاهی توده‌های مردم و تداوم
مبارزات سیاسی آنها

۷- افزایش رشد تحول در حوزه‌ها و حضور
روحانیت و مردم در عرصه سیاست کشور

۸- جایگاه مرجعیت و رهبری امام خمینی (ره) با
تأیید مراجع و علما و حمایت و پشتیبانی مردم

که نوزده سال قبل امام چه می‌گفتند، حقایق را بیان کردند
که این حقایق، آن‌روز برای خیلی‌ها حتی دست‌اندرکاران
سیاست، قابل فهم نبود. اگر حافظه خطا نکرده باشد، جملات
امام این‌ها بود که «اسرائیل می‌خواهد در ایران قرآن نباشد.
اسرائیل می‌خواهد در ایران روحانیون نباشند. اسرائیل
می‌خواهد در ایران اسلام نباشد.» آن روز برای خیلی‌ها این
مطلب قابل فهم نبود که اسرائیل کجا، ایران کجا؟ و اسرائیل
چه دشمنی با قرآن و با روحانیت دارد آن هم در ایران؟
حساسیت دستگاه در مقابل این مطالب به قدری بود که شب
بعد از این سخنرانی، یعنی شب نیمه‌ی خرداد که مصادف با
دوازدهم محرم بود، امام را دزدانه، نیمه‌شب از منزلشان در قم
ربودند و به تهران آوردند و زندانی کردند. روز نیمه‌ی خرداد
مردم به مجرد این که فهمیدند که امام دستگیر و ربوده شده
است، بدون این که فرمانده، رهبری از سوی شخصیتی، از
سوی حزبی، گروهی وجود داشته باشد، به خیابان‌ها ریختند.
در تهران، در قم، در شیراز، در مشهد، در بعضی شهرهای
دیگر و حتی در بعضی از روستاها در ورامین و دستگاه جبار
که باور نمی‌کرد نفوذ روحانیت و مرجعیت در این حد باشد،
غافلگیر شد و دست به یک عمل تند وحشیانه‌ی حساب‌نشده
زد. مردم را در خیابان‌ها و میدان‌ها به رگبار بستند و آن
روزها رقم پانزده هزار شهید در زبان‌ها می‌گشت. این قیام
یک نقطه‌ی عطف شد. اگر چه عده‌ای را مرعوب کرد، اما
خط مبارزه را روشن و واضح کرد. از آن روز حرکت انقلابی
مردم ایران که از تقریباً نه ماه قبل از آن یا یک سال قبل از آن
به تدریج آغاز شده بود، شکل قطعی و جدی گرفت و این
قیام به انقلاب ۲۲ بهمن منتهی شد و جمهوری اسلامی را به
وجود آورد.